

مروری بر رویکرد حسابداری ارزش منصفانه

مجتبی ابراهیمی رومنجان، Ebrahimi362@yahoo.com

دانشجوی دکتری حسابداری و مدیر آموزش، نظارت و برنامه‌ریزی جهاد دانشگاهی واحد خراسان جنوبی

احمد مخمل‌باف، Ahmadmakmalbaf@yahoo.com

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بیرجند، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، بیرجند، ایران

زهره نظیفی، Accountt.zn@gmail.com

دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد فردوس

چکیده- یکی از راه‌های دستیابی به اطلاعات مفید برای تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان، برآورد صحیح و دقیق عناصر حسابداری است. از جمله مبانی اندازه‌گیری که اخیراً مورد توجه قرار گرفته است، حسابداری ارزش منصفانه می‌باشد؛ چرا که ارزش بازار پیرامون واقعیت‌های اقتصادی دور می‌زند، و باعث تسهیل تصمیمات مشخص سرمایه‌گذاری می‌شود که نهایتاً تقویت و استحکام بازارهای سرمایه را در پی خواهد داشت. در این مطالعه، به تجزیه و تحلیل و تعریف ارزش منصفانه، مزایا و معایب، چالش‌ها و مشکلات به کارگیری آن و تأثیر آن بر بحران مالی پرداخته می‌شود.

کلمات کلیدی: ارزش منصفانه، حسابداری ارزش منصفانه، گزارشگری مالی، بحران مالی.

مقدمه

تحولات پیاپی و پیشرفت‌های سریعی که در دامنه فعالیت و انواع واحدهای اقتصادی در جریان وقوع است، لزوم تهیه و ارائه اطلاعات مالی مربوط، قابل اعتماد و قابل مقایسه را توسط واحدهای اقتصادی تشدید کرده است و نظر به این که قیمت کالا و خدمات در معاملات یا مبادلات، شاخص ارزش است و این ارزش در تاریخ معامله، مساوی قیمت تحقق یافته آن می‌باشد؛ اما با گذشت زمان و وقوع رویدادهای گوناگون، قیمت نسبی کالاها و خدمات تغییر می‌کند و در نتیجه قیمت تحقق یافته تاریخی ممکن است شاخص مناسبی برای ارزش نباشد. این واقعیت موجب شده است که بنابر مقتضیات، مبانی مختلفی برای اندازه‌گیری ارزش دارایی‌ها و بدهی‌ها و به تبع آن تغییر در سرمایه در حسابداری

به کار گرفته شود. از جمله مبانی اندازه‌گیری که بیشتر مورد توجه قرار گرفته است، ارزش منصفانه می‌باشد. (محمدیان، ۱۳۸۹). اهمیت به کارگیری ارزش منصفانه از آن جهت قابل ملاحظه است که در هیئت استانداردهای حسابداری مالی تا سال ۲۰۰۴ از ۱۵۰ عدد استاندارد منتشر شده حدود ۵۰ استاندارد و هیئت استانداردهای حسابداری بین‌المللی از ۴۱ عدد استاندارد منتشر شده حدود ۲۳ استاندارد آن به ارزش‌های منصفانه اشاره داشته‌اند (جنوفری، ۲۰۰۷ و سایت هیئت استانداردهای حسابداری مالی).

تعریف و تاریخچه ارزش منصفانه

حسابداری ارزش منصفانه یک روش گزارشگری مالی است که به شرکت‌ها اجازه می‌دهد دارایی‌ها و بدهی‌ها را بر مبنای برآورد قیمت‌هایی گزارش کنند که در صورت فروش دارایی دریافت یا در صورت تصفیه بدهی پرداخت خواهند کرد. به موجب حسابداری ارزش منصفانه، شرکت‌ها زیان‌های ناشی از کاهش ارزش دارایی یا افزایش بدهی‌های خود را گزارش می‌کنند. این زیان‌ها ممکن است منجر به کاهش حقوق مالکانه و سود شود (لوکس و لیوز، ۲۰۰۹). در بیشتر موضوعات حقوقی، مفهوم ارزش منصفانه معادل ارزش منصفانه بازار در نظر گرفته شده و در معاملات مربوط به سهامداران و سرمایه‌گذاران به کار می‌رود (سهرابی، ۱۳۸۵). پیشینه ظهور این مفهوم را می‌توان از قبل از دهه ۱۹۴۰ جستجو کرد. قبل از سال ۱۹۳۸، بانک‌ها و مؤسسات مالی وام‌ها و دارایی‌هایشان را براساس ارزش بازار گزارش می‌کردند. در طول بحران اقتصادی ارزش بازار این دارایی‌ها سقوط کرد. بانک‌ها مجبور بودند قیمت دارایی‌هایشان را پائین بیاورند، زیان‌ها را گزارش دهند و سرمایه‌شان را هم کاهش بدهند و برای حفظ مشروعیت خود نیازمند حداقل نسبت مطلوب سرمایه بودند و بانک‌ها مجبور به کوتاه کردن وام‌هایشان بودند. این عمل تأثیر منفی بر روی فعالیت‌های اقتصادی گذاشت و بحران اقتصادی را شدیدتر کرد (لاکس و چریستیان، ۲۰۰۹؛ آسلانرتیک، ۲۰۰۹؛ رابرت بویر، ۲۰۰۷؛ بارلیو و هاداد، ۲۰۰۳). اما بحران مالی سال ۲۰۰۸، استفاده مجدد از آن را به ارمغان آورد (شفیع‌زاده، ۱۳۹۲). سیر تکاملی مفهوم و بکارگیری ارزش منصفانه در هیئت استانداردهای حسابداری مالی در نگاره شماره ۱ نشان داده شده است.

سال	تعریف و بکارگیری
۱۹۴۰	استفاده از ارزش‌های منصفانه در آمریکا به سال ۱۹۴۰ باز می‌گردد. در آن زمان بانک‌های سرمایه‌گذاری و دارندگان اوراق بهادار قابل دادوستد به منظور متقاعد کردن مراجع قانونی از کفایت سرمایه خود، به تبدیل مبالغ دفتری سرمایه‌گذاری‌های خود به ارزش‌های بازار اقدام نمودند. استفاده از این روش، مدیران نهادهایی نظیر بانک‌های تجاری را قادر می‌ساخت تا "اندوخته پنهان" ناشی از ارزش‌های منصفانه دارایی‌ها را برای سال‌هایی که وضعیت اقتصادی نامتناسب تشخیص داده می‌شد، ایجاد کنند و از آن برای هموارسازی سودهای آتی بهره ببرند.
۱۹۷۵	مفهوم ارزش منصفانه، اولین بار در استاندارد شماره ۸ (حسابداری تسعیر ارز و صورت‌های مالی پول خارجی) در سال ۱۹۷۵ به ارزش‌های منصفانه اشاره شد.
۱۹۷۶	اولین تعریف از ارزش‌های منصفانه در استاندارد شماره ۱۳ (حسابداری اجاره‌ها) ارائه گردید: ارزش منصفانه قیمتی است که یک دارایی می‌تواند به آن قیمت در یک معامله منصفانه بین گروه‌های مایل غیر وابسته فروخته شود (پاراگراف ۵c)
۱۹۸۲	در این سال تعریف گسترده‌تری از ارزش منصفانه در استاندارد شماره ۶۷ پذیرفته شد: ارزش منصفانه مقداری نقدی یا ارزش معادل نقدی ملاحظاتی است که از حالت واقعی در یک فروش جاری بین یک خریدار مایل و یک فروشنده مایل حاصل خواهد شد (مانند، قیمت فروش)، یعنی متفاوت از فروش اجباری و فروش در زمان تسویه است (پاراگراف ۲۸)
قبل از ۱۹۹۳	دارایی‌های مالی به صورت حداقل بهای تمام شده و ارزش بازار شناسایی و اندازه‌گیری می‌شد.
۱۹۹۳	استاندارد شماره ۱۱۵ (سرمایه‌گذاری‌ها)، به حسابداری ارزش منصفانه برای اوراق بهادار معاملاتی نیاز پیدا کرد.
۱۹۹۸	استاندارد شماره ۱۳۳ (استفاده از ارزش‌های جاری برای دارایی‌های خاص)، به حسابداری ارزش منصفانه برای اوراق مشتقه (derivatives) نیاز پیدا کرد. در پیش‌نویس این استاندارد، واژه عدم اطمینان به تعریف ارزش منصفانه اضافه شد: "ارزش منصفانه قیمت مبادلاتی است که به طور معقول در یک معامله منصفانه بین خریدار و فروشنده‌های مایل مورد انتظار است." عدم اطمینان (به طور معقول انتظار داشتن)، به ضعف اصلی اندازه‌گیری ارزش‌های منصفانه در جایی که فقدان اطلاعات قابل اتکا موجود است، اشاره دارد. در نتیجه، هیئت استانداردهای حسابداری مالی، رهنمود ارائه شده برای اندازه‌گیری را این گونه بیان کرد: "فرض می‌شود که در هنگام شناخت اولیه، مبلغ نقدی یا معادل نقدی دریافت شده یا پرداخت شده به طور تقریبی همان ارزش منصفانه است، مگر آنکه خلاف آن ثابت شود".
۲۰۰۴	در ژوئن ۲۰۰۳ هیئت استانداردهای حسابداری مالی تصمیم گرفت که رهنمودی در مورد استفاده از ارزش منصفانه منتشر کند. در ژوئن ۲۰۰۴ هیئت استانداردهای حسابداری مالی متن پیش‌نویس این بیانیه را در سایت خود قرار داد. در این پیش‌نویس ارزش منصفانه بدین صورت تعریف شده است: "میزانی که یک دارایی و یا یک بدهی در یک معامله جاری میان افراد آگاه، مطلع، متمایل، و غیر وابسته مورد استفاده قرار می‌گیرد."

نگاره شماره ۱: سیر تکاملی مفهوم و بکارگیری ارزش منصفانه (محمدیان، ۱۳۸۹)

بعد از آن پلنتین و همکاران (۲۰۰۵) و پنمن (۲۰۰۶) اقدام به توصیف‌های اضافی در نمایش مفاهیم عمیق و منفی از ارزش‌های حسابداری و اندازه‌گیری آن مطرح نمودند (پاکروان، ۱۳۹۱).

مزایا و معایب بکارگیری ارزش منصفانه

اطلاعات صورت‌های مالی بر مبنای بهای تاریخی متکی بر معاملاتی است که در گذشته رخ داده و اطلاعاتی درباره ارزش‌های جاری ارائه نمی‌کند؛ در نتیجه برای تصمیم‌گیری مفید نبوده و نامربوط هستند (چوی، ۲۰۰۶). یک قلم حسابداری را وقتی مربوط می‌دانند که اطلاعات پیرامون آن قلم بتواند در تصمیمات استفاده‌کنندگان تفاوت ایجاد کند (بارلیو و هاداد، ۲۰۰۳). به دلیل این که در حسابداری ارزش منصفانه، صورت سود و زیان، ارزش اقتصادی واقعی فعالیت‌های شرکت و ترازنامه، دارایی‌ها، بدهی‌ها و حقوق مالکان را به ارزش منصفانه منعکس می‌کنند. بنابراین می‌توان گفت که این روش اطلاعات شفاف‌تری را ارائه می‌کند (لواکس و لیوز، ۲۰۰۹). شفافیت حسابداری بدین معنی است که صورت‌های مالی، درست و دقیق تهیه شده‌اند و اطلاعات کاملی را درباره فعالیت‌های مؤسسه و وضعیت مالی شرکت ارائه می‌کنند (بارلیو و هاداد، ۲۰۰۳؛ خدادادی و همکاران، ۱۳۸۹). شفافیت باعث می‌شود که مدیران فعالیت بیشتری را در جهت حفظ منافع سهامداران انجام دهند و به ویژه در زمان زیان اقدامات سریع‌تری را بر اثر فشارهای وارده از سوی سهامداران زیان‌دیده اجرا کنند که شناسایی به موقع زیان در صورت‌های مالی، تخطی از قراردادهای وام را نیز سریع‌تر مشخص خواهد کرد و باعث افزایش اثربخشی در قراردادهای تأمین مالی در بازارهای مالی خواهد شد (فروغی و اشرفی، ۱۳۸۸). حتی زمانی که سرمایه‌گذار در نظر دارد تا دارایی‌های مالی‌اش را تا سررسید نگهداری کند، هنوز هم ممکن است به ارزش فعلی این دارایی علاقه‌مند باشد (توماس و دیگران، ۲۰۰۸). رویکرد ارزش منصفانه، ترازنامه محور بوده و بر ویژگی کیفی ارزش پیش‌بینی (ارزش فعلی، مدل‌ها، برآوردها) تأکید دارد. این ویژگی باعث می‌شود تا معیار ارزش منصفانه بر تصمیمات سرمایه‌گذاران مؤثر باشد. هدف این مبنا، ارزیابی شرکت است و سود تحقق نیافته را در ارزیابی‌های خود در نظر می‌گیرد. اگرچه، مزایا و نقاط قوت ارزش منصفانه مؤید مناسب بودن این معیار اندازه‌گیری در شرایط زمانی مناسب است، اما از نقاط ضعف و کاستی‌های آن نیز نباید غافل بود. شاید مهم‌ترین عیبی که بر این مبنا وارد است، مشکلات ناشی از اندازه‌گیری براساس این مبنا، به خصوص نحوه برخورد آن با

اندازه‌گیری بدهی‌ها، و در نتیجه کمرنگ‌تر شدن قابلیت اتکای اطلاعات فراهم شده بر مبنای این واحد اندازه‌گیری باشد. به همین دلیل، بسیاری از مخالفان اجرای ارزش منصفانه را حساب‌برسان تشکیل می‌دهند (آسلانرتیک، ۲۰۰۹؛ رابرت بویر، ۲۰۰۷). عده‌ای از مخالفان اعتقاد دارند که انصاف و عدالت یک قضاوت شخصی است، نه یک قانون ارزیابی (ساندرشایما، ۲۰۰۷). ارزش‌های منصفانه به دلیل برآوردی بودن قابلیت اتکا ندارد (احمد و تیکدا، ۱۹۹۵).

مزایا و نقاط قوت	معایب و نقاط ضعف
۱- وضوح و روشنی و شفافیت اطلاعات	۱- مشکلاتی که در تعریف ارزش منصفانه وجود دارد.
۲- تهیه اطلاعات اضافی و مکمل.	۲- نوساناتی را در چرخه تجاری شرکت‌ها به وجود می‌آورد.
۳- سیستم حسابداری در این مبنای، به مفهوم رهبری واحد تجاری به عنوان مجموعه‌ای از دارایی‌ها است.	۳- براساس قیمت مستقل و فرضی است.
۴- واکنشی است به انتظارات و تقاضاهای سرمایه‌گذاران و متخصصان مالی.	۴- احتمال ایجاد حباب‌های مالی براساس این معیار وجود دارد.
۵- دستیابی آسان‌تر به تامین مالی از طریق دقت بیشتر در اندازه‌گیری اقلام ترازنامه.	۵- ممکن است موجب بی‌ثباتی هسته استراتژی شرکت‌ها شود.
۶- شفافیت و اطلاعات در زمان واقعی همگام با نیازهای بازارهای مالی.	۶- اثرات انحرافی بر صحت و قابلیت اعتبار حساب‌های شرکت و رفتارهای غیر قانونی و مکرر مدیران را به دنبال دارد.
۷- فراهم آوردن حساب‌های مناسب برای مشتقه‌ها.	۷- برخورد مشکل با بدهی‌ها.
۸- کاهش انگیزه برای مدیریت سود.	۸- بدتر شدن نقدینگی و عملکرد شرکت و افزایش احتمال ورشکستگی و کاهش ارزش دارایی‌ها و افزایش مخارج سرمایه‌ای (خدادادی، ۱۳۸۹)
۹- منعکس کردن افزایش اهرم مالی نهادهای مالی (دیوید، ۲۰۰۸)	

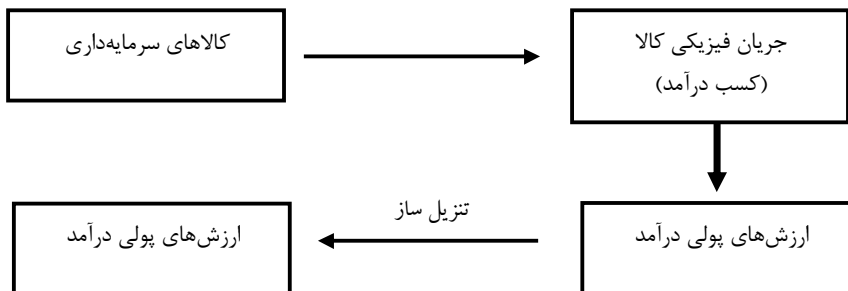
نگاره شماره ۲: مزایا و معایب، نقاط ضعف و قوت بکارگیری ارزش منصفانه

واتز (۲۰۰۶) بیان می‌کند که ارزش‌های منصفانه به اندازه کافی قابل اتکا بوده و در برخی از موارد که این ارزش‌ها قابل اتکا نیست مربوط به عدم وجود بازارهای کارا است. طبق نظر هارو (۲۰۰۶)، اصول بنیادین حسابداری یعنی فرض تفکیک شخصیت و تداوم فعالیت در صورت به کارگیری ارزش منصفانه با اشکال مواجه می‌شود، زیرا ارزش منصفانه بر مبنای تسویه شرکت قرار دارد. مخالفان ادعا می‌کنند که کاربرد این روش باعث افزایش نوسان‌پذیری سود می‌شود با این حال بارس (۲۰۰۴) سه منبع اصلی نوسان‌پذیری مربوط به اقلام حسابداری ارزش منصفانه را به شرح زیر گزارش می‌کند:

نوسان‌پذیری ناشی از نوسان‌پذیری اقتصادی، نوسان‌پذیری منتج شده از خطای اندازه‌گیری در برآوردهای تغییرات ارزش منصفانه، نوسان‌پذیری ایجاد شده به دلیل استفاده از مدل ویژگی مختلط (سجادی و تاکر، ۱۳۸۹). در نگاره شماره ۲ به برخی از این مزایا و معایب و نقاط ضعف و قوت بکارگیری ارزش منصفانه اشاره شده است (آسلانرتیک، ۲۰۰۹؛ رابرت بویر، ۲۰۰۷).

ارزش منصفانه و گزارشگری مالی

فیشر (۱۹۰۶، ۱۹۳۰) ادعا کرد که ارزش سرمایه برابر با ارزش درآمد شرکت در آینده است و نرخ بهره را به عنوان تابعی در برآورد و پل ارتباطی درآمد و سرمایه تفسیر و تبیین کرد. در نظریه‌های اقتصاد مدرن تعریف درآمد (سود) به عنوان خالص افزایش در ارزش دارایی‌های شرکت تعریف می‌شود، بطوری که اگر مقدار سرمایه در پایان دوره نسبت به ابتدای دوره افزایش یابد در نهایت بیان می‌شود که سود برای شرکت تحصیل شده است. بر همین اساس سود اقتصادی نشان دهنده افزایش در ثروت سهامداران تعریف می‌شود. ارتباط درآمد و سرمایه در نگاره شماره ۳ نشان داده شده است.



نگاره شماره ۳: ارتباط درآمد و سرمایه (مدل فیشر)

بنا به این که ارزش منصفانه یک مدل ارزش‌گذاری بازار است. بر همین اساس مدل‌های تنزیل شده قابل تبدیل به ارزش‌های آتی می‌باشد؛ بنابراین مدل ارزش منصفانه یک مدل آینده‌گرا می‌باشد (پاکروان، ۱۳۹۱). یکی از موضوعات در چارچوب مفهومی حسابداری و گزارشگری مالی، جایگزین کردن هرچه بیشتر ارزش‌های منصفانه به جای بهای تاریخی در گزارش‌های مالی است. از این‌رو، در این چارچوب به جای ویژگی قابلیت اتکا از واژه ارائه صادقانه استفاده شده است (جثوفری، ۲۰۰۷). اخیراً تنظیم‌کنندگان استانداردهای حسابداری در آمریکا، انگلستان، استرالیا، و اتحادیه اروپا بیانیه‌هایی را منتشر کرده‌اند که ملزم می‌کند اقلام ترازنامه باید به

ارزش‌های منصفانه منعکس و تغییرات آن‌ها در عملکرد جاری ثبت و اطلاعات مربوط به برآورد این ارزش‌ها نیز افشا شود. برای مثال هیئت تدوین استانداردهای حسابداری مالی ملزم می‌کند که سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار و اوراق مشتقه باید به ارزش‌های منصفانه گزارش شوند (لندزمن، ۲۰۰۷). با توجه به چارچوب گزارشگری مالی، تأثیر گزارشگری منصفانه ممکن است در ارتباط با تعیین بدهی‌های بازنشستگی توسط مدیریت، ارزش سرقفلی و دارایی‌های نامشهودی که در ترکیب تجاری به دست می‌آید، املاک و مستغلات، وجوه موقوفه، پرداخت‌های مشارکتی، مبادلات غیرپولی، و سایر طبقات دارایی‌ها و بدهی‌ها دیده شود. در برخی از موارد اندازه‌گیری ارزش منصفانه توسط مدیریت ممکن است ساده و اتکاپذیر باشد. برای مثال، مدیریت بتواند ارزش منصفانه اوراق بهادار آماده برای فروش را از طریق قیمت‌های پیشنهادی در بازار تعیین کند. در هر حال برخی معیارهای ارزش منصفانه ذاتاً پیچیده‌تر از بقیه هستند و ممکن است مفروضات بااهمیتی به ویژه در نبود بازار فعال داشته باشد (جعفریان طاهری، ۱۳۸۸). اگر تغییرات در ارزش با گذشت زمان در گزارشگری مالی شناسایی شود، این اطلاعات قادرند بازخورد باارزشی را برای کاربران ارائه کنند (نورنبرگ و دیتمار، ۱۹۹۷). تحقیقات نشان می‌دهد که محتوای اطلاعاتی ارزش‌های منصفانه و تأثیری که بر قیمت سهام می‌گذارد بیش از ارزش‌های دفتری است (بارس، ۱۹۹۴؛ بارس، لندسمن و واهلن، ۱۹۹۵؛ رامش و اکر، ۱۹۹۶؛ نلسون، ۱۹۹۶). سود و زیان ناشی از تغییرات در ارزش منصفانه نشان‌دهنده شرایط اقتصادی است که شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران مستحق دریافت افشای این اطلاعات هستند (راین، ۲۰۰۸).

جایگاه ارزش منصفانه در بحران مالی

منتقدان معتقدند که در برخی موارد، حسابداری ارزش منصفانه موجب تشدید بحران می‌شود و استفاده از آن در شرایط بحران‌های مالی باید تعلیق شود (توماس و دیگران، ۲۰۰۸). اولین چالش و نگرانی این است که حسابداری ارزش منصفانه در زمان رونق، به بانک‌ها اجازه می‌دهد تا دارایی‌هایشان را به‌روز درآورند و اهرم‌های مالی‌شان را افزایش دهند، که این به نوبه خود باعث می‌شود تا سیستم‌های مالی آسیب‌پذیرتر و به دنبال آن، بحران‌های مالی تشدید شوند (آلن و کارلیت، ۲۰۰۸). ارزش منصفانه ممکن است خطر فرسایش‌پذیری ناشی از توزیع سود تحقق‌نیافته را به دنبال داشته باشد (پاکروان، ۱۳۹۱). منتقدان بر این باورند که کاربرد واقعی قواعد حسابداری در زمان بحران سبب می‌شود زیان‌ها

و کاهش سرمایه تحقق‌یافته که ارزش ذاتی یک دارایی را نشان نمی‌دهد، شناسایی شود (کارول و دیگران، ۲۰۰۲). با این حال، طراحان به این مسائل توجه نمی‌کنند که حسابداری ارزش منصفانه برای یک بحران قریب‌الوقوع، علائم هشداردهنده ارائه می‌کند و از این‌رو ممکن است بانک‌ها را مجبور به اتخاذ اقدامات مناسب کند. در واقع، تمایل بانک برای گسترش اهرم‌های مالی در دوره‌های رونق، مسئله‌ای نیست که صرفاً از حسابداری ارزش منصفانه ناشی شده باشد. در نتیجه، حسابداری ارزش منصفانه ممکن است موجب کاهش شدت بحران شود (محمدیان، ۱۳۸۹). چالش دوم این است که حسابداری ارزش منصفانه می‌تواند به سرایت بحران در بازارهای مالی دامن بزند. ایده اصلی این است که ممکن است بانک‌ها مجبور به فروش دارایی‌ها به بهایی زیر ارزش ذاتی شوند و این که این قیمت‌های (اجباری) خرید و فروش به نهادهای دیگر که تحت حسابداری ارزش منصفانه، دارایی خود را به ارزش بازار اندازه می‌گیرند، نیز مربوط می‌شود و هم‌چنین در دسته‌بندی اوراق بهادار نیز اثر می‌گذارد (لاکس و چریستیان، ۲۰۰۹). پایین بودن قابلیت اطمینان در اندازه‌گیری ارزش منصفانه مربوط به محاسبه سود هر سهم (EPS) مطرح است؛ زمانی که قیمت‌ها در بازار به سرعت در حال کاهش هستند و یا بازار از کمبود نقدینگی رنج می‌برد برآورد ارزش منصفانه ممکن است تحریف شود. چنان‌چه مدل ارزش‌گذاری منصفانه اطلاعات مالی دارای مکانیزم کنترلی دقیقی باشد، بسیار کاراتر از سیستم‌های سنتی عمل می‌نمایند و به نظر می‌رسد اساساً مشکل بحران مالی دنیا ارتباط مستقیمی با مدل‌های ارزش‌گذاری نداشته است؛ بلکه آنچه به این بحران دامن زده است عدم نظارت و کنترل گزارشگری رویدادهای مالی و وجود تقلب‌های مالی می‌باشد (پاکروان، ۱۳۹۱). لینچ بیان می‌کند عامل اصلی ورشکستگی و زیان در بانک‌ها مربوط به عملکرد ضعیف وام‌هایی است که به ارزش منصفانه گزارش شده‌اند. به عبارتی دیگر تأثیر زیان‌های ناشی از مقررات بانک‌داری بر وضعیت مالی بسیار بیشتر از زیان‌های ارزش منصفانه است.

نگاهی به استاندارد ۱۵۷ و جایگاه ارزش منصفانه در استانداردهای حسابداری ایران

از جمله دلایل و اهداف انتشار این بیانیه وجود تعاریف متفاوت از ارزش منصفانه و کمبود رهنمود مناسب برای بکارگیری آن تعاریف در اصول پذیرفته شده عمومی است که منجر به عدم هماهنگی در بیانیه‌های مختلف شده بود. همچنین، می‌توان بررسی نیاز به هماهنگی و قابلیت مقایسه بیشتر در اندازه-

گیری ارزش منصفانه و توسعه و بهبود افشاء در این مورد را هدف عمده ارائه این بیانیه دانست (محمیدیان، ۱۳۸۹). مطابق با بیانیه، هدف از برآورد ارزش منصفانه عبارت است از اعلان ارزش یک دارایی یا یک بدهی به سرمایه‌گذاران در تاریخ اندازه‌گیری (یعنی ارزش کنونی)، نه اعلان ارزش بالقوه یا آینده یک دارایی یا بدهی در تاریخ‌های آینده (مثلاً مبلغی که مؤسسه گزارشگر انتظار دارد در تاریخ سررسید یا تسویه شناسایی کند). برآورد ارزش منصفانه در مورد یک دارایی، با مراجعه به قیمتی که در یک معامله عادی در تاریخ اندازه‌گیری (مفهوم قیمت مبادلاتی) دریافت می‌شود، تعیین می‌گردد، نه طبق اظهارنظر برخی، قیمتی که در فروش منصفانه یا معامله تصفیه اجباری برای آن دارایی، در تاریخ اندازه‌گیری دریافت می‌شود (صالحی، ۱۳۸۹). بیانیه شماره ۱۵۷ سلسله مراتبی از ارزش منصفانه را وضع می‌کند که درون‌داده‌هایی را که باید جهت ایجاد برآورد ارزش منصفانه به کار رود، اولویت‌بندی می‌کند. سلسله مراتب ارزش منصفانه، قیمت‌های مظنه در بازارهای فعال را برای دارایی‌ها یا بدهی‌های مالی همسان، اولویت‌بندی می‌کند (سطح ۱). سایر درون‌داده‌ها، شامل درون‌داده‌های مشهود (عینی) است که به طور منطقی در چنین شرایطی، از جمله قیمت‌های مظنه شده در بازارهای مربوط به دارایی‌ها و بدهی‌های مقایسه‌پذیر (سطح ۲) و همچنین شامل درون‌داده‌های غیرقابل مشاهده، شامل تحلیل خود شخصیت گزارشگر از داده‌های اقتصادی نهفته و بنیادین که مشارکت‌کنندگان بازار از آن‌ها در قیمت‌گذاری دارایی و بدهی‌ها استفاده می‌کنند (سطح ۳)، در دسترس است (صالحی، ۱۳۸۹؛ سجادی و تاکر، ۱۳۸۹). برآوردهای مربوط به ارزش‌های منصفانه با سایر برآوردهای حسابداری تفاوت دارد زیرا در صورت عدم دسترسی به قیمت‌های بازار، مدیریت باید با استفاده از رویکردی مناسب و مفروضاتی که منعکس‌کننده نظر افراد حاضر در بازار است، ارزش منصفانه را برآورد کند (یعقوب‌نژاد، ۱۳۸۳). مفهوم ارزش منصفانه در استانداردهای حسابداری ایران، براساس تعریف صورت گرفته توسط هیئت استانداردهای حسابداری بین‌المللی است.

ابزارهای مالی در رویکرد حسابداری ارزش منصفانه

پیچیدگی برخی از ابزارهای مالی موجب می‌شود تا تعیین ارزش منصفانه آن‌ها حتی در زمانی که برای آن‌ها بازارهای فعال و کارا وجود دارد، کاری بسیار سخت و دشوار باشد (خدادادی و همکاران، ۱۳۸۹). در بخش دوم کتاب جان وایلی طیف گسترده‌ای از موضوعات ارزش‌گذاری، با توجه به

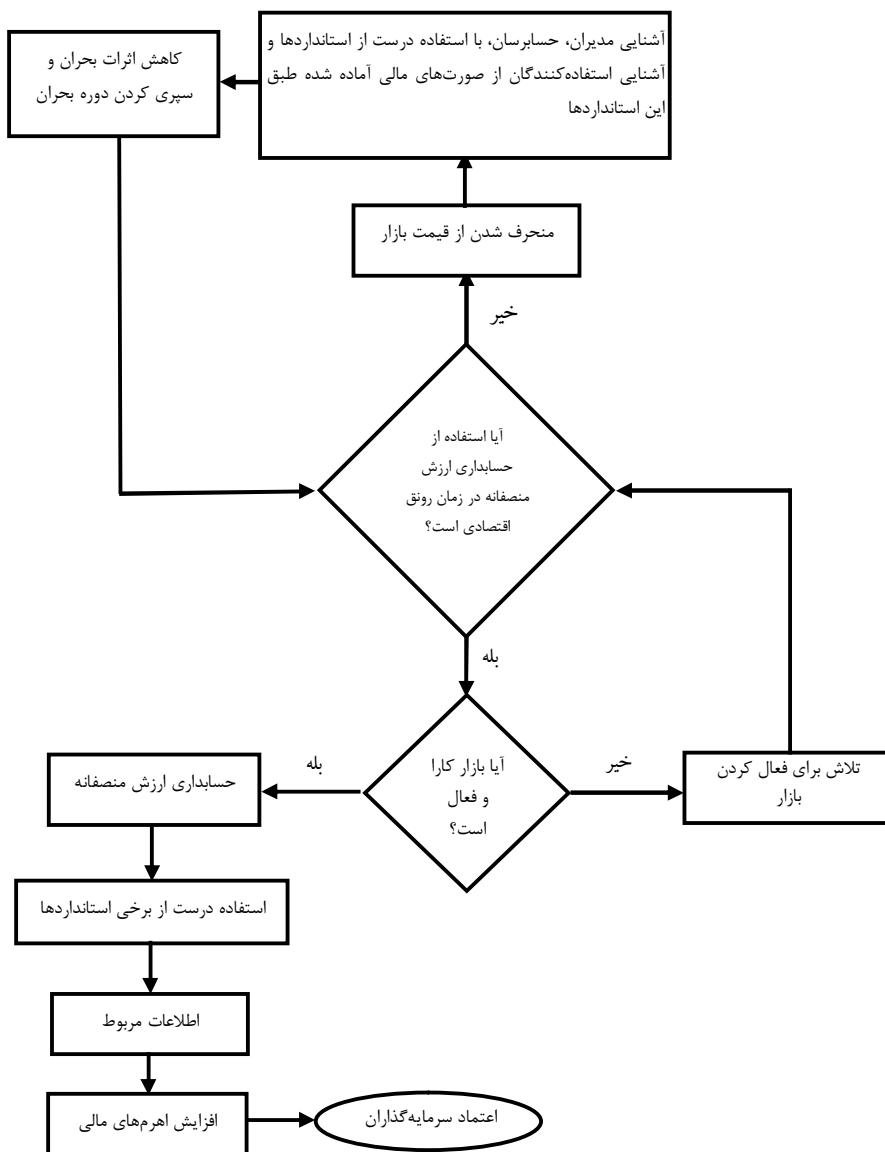
موارد مطرح در استانداردهای حسابداری مطرح شده است؛ برای مثال الزامات اندازه‌گیری برخی از ابزارهای مالی به ارزش منصفانه، موضوعی است که در فصل ۱۷ با عنوان "ابزارهای مالی و مشتقه" مورد توجه می‌باشد (ولی‌زاده، ۱۳۹۰). افشای اطلاعات ارزش منصفانه در خصوص ابزارهای مالی ممکن است به تهیه‌کنندگان صورت‌های مالی در خصوص تجربه جدید برای تهیه صورت‌های مالی مختلف کمک نماید و همچنین به خوانندگان در درک بهتر تغییر و جابجایی ارقام و اندازه آن‌ها کمک نماید (خالقی، ۱۳۸۵). ارزش منصفانه ابزارهای مالی بهترین بازتاب جریان‌های نقدی آتی برای ابزارها است، علاوه بر این اطلاعات مناسبی برای استفاده‌کنندگان اولیه صورت‌های مالی فراهم می‌کند. از آن‌جا که آمیزه‌ای از ابزارهای متفاوت دارد که با هدف‌های متفاوتی نگه‌داری می‌شود، روشن است که نه استفاده منحصراً به فرد از ارزش منصفانه مناسب است و نه ارزش مستهلك شده در تمامی موارد پاسخ‌گوست. بعنوان نتیجه‌گیری در نگاره ۵ شیوه برخورد استانداردهای حسابداری به دارایی‌های مختلف در ترازنامه و صورت سود و زیان نشان داده شده است (قائمی، ۱۳۹۰).

دارایی‌های نگه داشته تا سررسید	این دارایی‌ها در ترازنامه به بهای تمام شده نشان داده می‌شود. بازده این دارایی‌ها به صورت سود و زیان می‌رود.
وام‌ها و اسناد دریافتی	عموماً این گروه از دارایی‌ها (و بدهی‌ها) به همان شیوه دارایی‌های نگه داشته تا سررسید نشان داده می‌شود. در ترازنامه به بهای تمام شده و در صورت سود و زیان درآمد بهره می‌آید.
دارایی‌های مبادلاتی	عموماً به طور کوتاه مدت نگهداری می‌شود و اغلب به منظور سوداگری مالی از آن استفاده می‌شود. برخلاف دو گروه نخست این دارایی‌ها به ارزش بازار در ترازنامه نشان داده می‌شود و تغییرات ارزش بازار آن به صورت سود و زیان می‌رود.
آماده فروش	این موارد شامل دارایی‌های غیرمشتقه است و به شکل بی‌فایده‌ای در استانداردهای حسابداری به عنوان دارایی‌های غیر از موارد سه گانه بالا تعریف شده است. این دارایی‌ها در ترازنامه به ارزش بازار نشان داده می‌شوند و تغییر در ارزش بازار آن به حساب ذخیره ارزش سهام می‌رود. پس از فروش نیز ارزش آن در حساب سود و زیان درج می‌شود.

نگاره شماره ۵: شیوه برخورد استانداردهای حسابداری به دارایی‌های مختلف

در نگاره شماره ۶ الگویی پیشنهاد می‌شود که روند استفاده از مدل ارزش منصفانه را نشان می‌دهد؛ وقتی زمان بحران و رکود اقتصادی باید از قیمت بازار منحرف شد. چرا که، استانداردها نیز به صراحت بیان می‌کنند که در شرایط خرید و فروش اجباری، نباید از قیمت بازار استفاده شود و هنگام غیرفعال

شدن بازارها، استانداردها استفاده از مدل ارزیابی جهت انحراف از ارزش‌های بازارها را مجاز می‌دانند تا بتواند اثرات سرایت در یک بحران مالی را کاهش داد.



نگاره شماره ۶: روند استفاده از مدل ارزش منصفانه

در نظر گرفتن موارد زیر می‌تواند بازارها را به سمت جهانی شدن و فعال شدن سوق دهد: ۱- میزان و ماهیت دخالت دولت در اقتصاد؛ ۲- وارد شدن سیاست‌های دولت در گزارشگری مالی؛ ۳- مقررات مربوط به اوراق بهادار و طرف‌های قرارداد؛ ۴- ساختارهای بازارهای مالی ۵- اندازه بخش شرکت‌های سهامی؛ ۶- میزان مالکیت عمومی در برابر مالکیت خصوصی شرکت‌ها.

در این الگو چنانچه همه در راستای کارا شدن بازار تلاش کنند به مزایای به کار گرفتن حسابداری ارزش منصفانه که شفافیت و مربوط بودن می‌باشد، می‌توان دست یافت و در نهایت اعتماد سرمایه‌گذاران جلب می‌شود.

نتیجه‌گیری

با بررسی‌های انجام شده ارزش منصفانه به هیچ وجه ارزش جدیدی محسوب نمی‌شود و در بسیاری موارد ممکن است الزامی نباشد. به علاوه استفاده از مبانی ارزش منصفانه در کاهش ارزش در دوره بازار تنزلی، چیز تازه‌ای نیست. در حالی که شرایط فعلی در بازارهای اعتباری چالش‌های مهمی در ارزش‌گذاری شماری از طبقات از دارایی‌ها فراهم می‌سازد، مفاهیم و روش‌های عملی که در ارزش‌گذاری دارایی‌های غیرنقدشونده به خدمت گرفته می‌شود، موضوع جدیدی نیست. سال‌هاست که این مفاهیم و روش‌های عملی در ارزش‌گذاری دامنه گسترده‌ای از اقلام برای مقاصد گزارشگری مالی مثل دارایی‌های نامشهود، سرمایه‌گذاری در حقوق مالکانه اوراق بهادار غیرنقدشونده یا اوراق مشتقه پیچیده به کار می‌رود. در چنین شرایطی افشای روشن و مفصل در کمک به سرمایه‌گذاران برای اتخاذ تصمیمات سرمایه‌گذاری آگاهانه اهمیت دارد. چنانچه پیداست، ارزش منصفانه و به تبع آن فراهم آوردن اطلاعات مربوط مورد توجه عموم از جمله، استفاده‌کنندگان و تهیه‌کنندگان صورت‌های مالی و تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری قرار گرفته و در طول زمان نه چندان دور سیر تکاملی خود را می‌پیماید.

منابع فارسی

۱- امید قائمی، مصطفی؛ ۱۳۹۰ "حسابداری ابزارهای مالی"، حسابداری رسمی شماره ۱۴ از ۶۲ تا ۷۴

- ۲- پاکروان، لقمان؛ ۱۳۹۱ "حسابداری ارزش منصفانه و نقش آن در بحران مالی اخیر" حسابدار رسمی و کارشناس رسمی دادگستری، آذر ۱۳۹۱
- ۳- جعفریان طاهری، محمدحسین، ۱۳۸۸ "چالش‌های حسابرسی برآوردهای ارزش منصفانه در محیط کنونی بازار" حسابدار، ۸ شماره ۲۱۲، از ۶۰ تا ۶۹
- ۴- خالقی، فرهاد؛ ۱۳۸۵ "رویه‌های صحیح افشا و حسابداری وام از انتشارات کمیته نظارت بر بانکداری"، بانک تسویه بین‌المللی (جولای ۱۹۹۹)
- ۵- خدادادی، ولی؛ تاکر، رضا؛ زارع‌زاده مهریزی، محمدصادق؛ ۱۳۸۹، "نقش حسابداری ارزش منصفانه در بحران مالی جهانی" حسابدار، شماره ۲۲۳، از ۶۴ تا ۶۷
- ۶- سجادی، سیدحسین؛ تاکر، رضا (۱۳۸۹) "حسابداری بهای تاریخی یا ارزش‌های منصفانه" دانش و پژوهش حسابداری، شماره ۲۱ از ۶ تا ۱۱
- ۷- سهرابی، محسن؛ ۱۳۸۵، "مفاهیم ارزش و ارزشگذاری در حسابداری و اقتصاد" حسابرس، شماره ۱۳۳ از ۹۴ تا ۱۰۷
- ۸- شفیع‌زاده، بهاره؛ ۱۳۹۲ "دلایل استفاده از ارزش منصفانه"، روزنامه دنیای اقتصاد
- ۹- صالحی امین، علی‌رضا؛ ۱۳۸۹ "حقایق درباره ارزش منصفانه"، حسابدار، شماره ۲۲۴ از ۶۸ تا ۷۱
- ۱۰- فروغی، داریوش؛ اشرفی، مجید؛ ۱۳۸۸ "استانداردهای جهانی حسابداری: چالش‌ها و فرصت‌ها" حسابدار رسمی، دوره جدید، شماره ۸، ۹۶-۱۰۳
- ۱۱- محمدیان، محمد؛ ۱۳۸۹ "تحلیلی بر بکارگیری ارزش منصفانه" مجله دانش حسابرسی، ۵۷-۷۶
- ۱۲- ولی‌زاده، اعظم؛ ۱۳۹۰ "رهنمود استفاده از ارزش منصفانه در استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی"، حسابدار، شماره ۲۴۰، از ۴۲ تا ۴۳
- ۱۳- یعقوب‌نژاد، احمد؛ ۱۳۸۳ "رویکرد حسابرسان در ارتباط با ارزش منصفانه"، حسابدار رسمی، شماره ۵۳ از ۵۰ تا ۵۵

منابع لاتین

- 1- Ahmed, A.S., and Takeda, C. (1995). "Stock market valuation of gains and losses on commercial banks' investment securities: an empirical analysis." Journal of Accounting and Economics, 20, pp: 207- 225.
- 2- Allen, F; and Carletti, E. (2008), "Mark-to-market Accounting and Liquidity Pricing." Journal of Accounting and Economics, Vol. 45, PP. 358-378.

- 3- Aslanertik, B.E. (2009). "Fair Value Considerations during Current Financial Crisis." Paper presented at EconAnadolu 2009: Anadolu International Conference in Economics.
- 4- Barth, M.E. (2004). "Fair values and financial statement volatility", in The Market Discipline Across Countries and Industries. Borio C., Hunter, W.C., Kaufman, MA: MIT Press
- 5- Barlev, B. and J.R. Haddad. (2003). "Fair Value Accounting and The Management of The Firm." Critical perspective on accounting, Vol. 14. PP. 383-415.
- 6- Barth, M.E., Beaver, W.H. and Landsman, W.R., (1996), "Value –Relevance of Banks Fair Value disclosures Under SFAS107", The Accounting Review, Vol. 71, pp: 513- 553.
- 7- Carroll, T.J., Linsmeier, T.J. & Petroni, K.R. (2002), "The Reliability of Fair Value vs. Historical Cost Information: Evidence from Closed End Mutual Funds", Paper presented in journal of Accounting Auditing and Finance Conference (New York, NY: New York University).
- 8- Choy, A.K., (2006), "Fair value as a Relevant Metric A Theoretical Investigation", University of Alberta Edmonton, Alberta T6G2R6.
- 9- Financial Accounting Standards Board (FASB). FAS 157 and Fair Value for U.S GAAP. <http://www.fasb.org/project/conceptual>.
- 10- Fisher, Irving, "The Nature of capital and income", 1960, pp. 70 - 104
- 11- International Accounting Standard Board
<http://www.iasplus.com/agenda/framework.htm>.
- 12- Geoffrey, W. (2007). "Fair Value and the IASB/FASB Conceptual Framework Project :An Alternative View." September 2007 Draft, for comment.
- 13- Hoarau, C. (2006) "Convergence between IFRS and US GAAP: Towards a hybridization of the Modes of Accounting Standardization?", Revue Sciences de Gestion, 54, 39 – 51.
- 14- Landsman, W.R. (2007), "Is Fair Value Accounting Information Relevant and Reliable?", Evidence from Capital Market Research, Accounting & Business Research, pp: 19- 35
- 15- Laux, C. and Leuz, C., (2009). "The crisis of fair – value accounting :Making sense of the recent debate", Accounting, Organizations and Society 34, pp: 826 – 834.
- 16- Laux, C. and Christian, L. (2009). "The Crisis of Fair Value Accounting: making Sense of Recent Debate." The journal of accounting organization and society, Vol. 34. pp. 826-834.

- 17- Nurmberg, H. and N. Dittmar. (1997). "Reporting Impairment of Long – Lived assets: New Rules and Disclosures", Journal of Financial Statement Analysis pp:37- 50.
- 18- Penman, S.(2006) "Financial Reporting Quality: Is Fair Value a Plus or a Minus?", Conference Paper for Presentation at Information for Better Markets' Conference, ICAEW,
- 19- Robert, B. (2007). "Assessing the Impact of Fair Value upon Financial Crises." Socio-economic review, Vol. 5. PP. 779-807.
- 20- Ryan.S.G. (2008), "Fair Value Accounting:Understanding The Issues Aised By The Credit Crunch", working paper.
- 18- Sunder, Sh. (2007). "Econometrics of Fair Values." Based the plenary address at the Mid-year Meeting of the American Accounting Association's Financial Accounting and reporting Section, San Antonio, January 19-20, 2007.
- 21- Thomas J. F; Anthony H. Z; Margaret A. B; Roger, M; Susan A. R; Robert J. W and Alan, R.(2008). "SEC Holds Round-Table on Fair value Accounting and Auditing Standards." Journal of Investment Compliance, Vol. 9. NO. 4. PP. 13-17.
- 22- Watts,R.L.(2006).,"What has the Invisible Hand Achieved?";MIT Sloan School of Management, working paper.